



وَلَا تَجْعَلْنَا كَمَا جَعَلْتُمُ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

امام خمینی  
امریکا از این زاغه نشینها سیلی  
خورده، از این ملت سیلی  
خورده است و در صد است  
بر ضد ملت تو طئه کند.

هر مرام و مذهب در بدو بیدانی، آتش و رومی را در قالب فرهنگی نوین برای عرضه به جامعه محل ظهور خود و بمنظور آشنا ساختن بیروان خویش با مقوله هائی تازه به همراه میآورد و مکتب آزادی بخش اسلام نیز با دقت بر این امر که تمامی انگیزه های ظهور و بیداری تمامیت به قصد رهایی انسانها از تمامی قیود و آزاد زینت آنان در سانه آسمان و عمل صالح است، مرام و مناسکی را در قالب فرهنگی نوین بر گروندگان خویش عرضه میدارد.

بقیه در صفحه ۹

# ریشه های بحران و انحرافات در خصلت ها و بینش ها

خطاست اگر تصور کنیم با یک آشتی ساده طرفهای درگیر و توافق بر سر معرفی یک نفر از چند نفری که مطرح هستند به عنوان نخست وزیر، بحران سیاسی انقلاب خاتمه می یابد.

ادامه بحران سیاسی و کشمکش بین جناحهای درگیر سرانجام سبب شد که امام همانند گذشته با ندوه و درد، دست روی ریشه های ضعف ها و نارسائیه ها گذاشته با صراحت به مسئولان هشدار دهند و اخطار کنند که دست از خود خواهی و بیروی از هوای نفس برداشته مصالح انقلاب و مکتب را بجای مصالح شخصی منافع فرار دهند. ایشان در تحلیل خود از علل کشمکش ها به عامل درونی و انسانی استناد کردند و این درست یک شیوه تحلیل مکتبی از علل و ریشه های موضع گیری افراد و شخصیت هاست. انسان اگر تحت تاثیر تمایلات نفس و اسیر خواهشهای آن باشد، تنها به منافع و مصالح شخصی و گروهی یا طبقاتی می اندیشد ولی اگر تکمیل وجدان انسانی و روح خدایی بر نفس مسلط شود، و به تقوا برسد، از منافع و مصالح محدود شخصی در میگذرد و خود را در مصالح مردم و در نهایت امر در خدائی و فانی میکند. گروه اول در مقام خود "من" است و گروه دوم "خدا" را در نظر دارند و در اصله این مراتب بساری است که درجه رشد و تکامل هرکس را نشان میدهد. تا وقتی افراد و گروهها با طبقات بر سنی "من" ها حرکت میکنند با هم تضاد دارند زیرا منافع "من" ها با هم متفاوت است. اما وقتی از "من" به "خدا" رسیدند، وحدت پیدا میکنند زیرا خدا واحد است و حرکت از تضاد ("من" ها) به "وحدت" (برای خدا) مسیر حرکت انسان و تشکیل است واحد است.

بردید نیست که اعتراض امام به زمامداران و جناحهای درگیر انعکاسی است از ناراضی مردم از اوضاع جاری کشور. مردمی که با فداکاری بی نظیر دادند دهها

بقیه در صفحه ۲

مباحث ایدئولوژیک  
دکتر حبیب الله پیمان

## مقوله های اساسی مکتب

وحی بعنوان منبعی برای معرفت

خداوند که خالق هستی و سنتهای حاکم بر آنست، و عالم و آگاه از آنها، با توجه به نیاز و استعداد درونی انسان به کسب خود آگاهی شناخت جهان، خود و رابطه ایندو، و بنا به ضرورت انتخابگری و خلاقیت، از طریق وحی به انبیاء، این آگاهیهای لازم را در اختیار بشر گذاشت.

انسان همه وقت و از همان ابتدا برای سمت گیری درست در اعمالش و یافتن مفهوم و معنای حقیقی زندگی به آگاهی از قوانین عام در جهت حرکت و هدف زندگی نیاز داشت. عدم دسترسی به این حقایق او را در مسیری قرار می داد که منطبق با مسیر حقیقی حرکت تکاملی جهان و انسان نبود و او را در قلمرو حیات بشری و تنازع بقای حیوانی محدود نگاه میداشت.

خداوند که خالق هستی و سنتهای حاکم بر آنست و عالم و آگاه از آنها، با توجه به نیاز و استعداد درونی انسان به کسب خود آگاهی - شناخت جهان - خود و رابطه ایندو، و بنا به ضرورت انتخابگری و خلاقیت، از طریق وحی به انبیاء که انسانهای برگزیده ای بودند، آگاهیهای لازم را در اختیار بشر گذاشت (درباره وحی و تجربه پیامبری بعداً صحبت خواهد شد) در این واقعیت جای شک نیست که بشر

بقیه در صفحه ۱۱

## روز قدس، روز اتحاد مستضعفین علیه مستکبرین



روز جهانی قدس روز بیوند با فلسطین و در واقع روز همبستگی با همه مستضعفین است. قدس سرزمین بیوند ادیان توحیدی و سرزمینی است که تاریخ آن از مبارزه علیه اشغالگران و متجاوزین است. محدود ساختن شعاع بیت المقدس، تنها به مبارزه فلسطین، عمل صحیحی نمی تواند باشد، چرا که این سرزمین قلب همه سرزمینهای است که در تبت و جوش علیه مستکبران قرن می خروشد و فریاد نرفته خویشت را همچون بنگ بر سر آنان می گویند. قدس یادآور عروج انسان، و در برگزیده مسجدالاقصی است. نقطه ای از این سرزمین نمادهاست که مورد هجوم دشمن قرار نگرفته باشد. هر روز برادران و خواهران

بقیه در صفحه ۴

## امریکا در تدارک تو طئه های دیگر

با عاملین اصلی کودتا چه کردید؟

هنگامی که نیروهای آزادکننده و بالنده در یک بدیده، برای منحول ساختن و دگرگون نمودن و به سوی تکامل رهنمون کردن آن بدیده مجدانه در کوشش و تلاشند، نیروهای بازدارنده و ضد تکاملی نیز حداکثر سعی خود را برای سد کردن حرکت رهائی دهنده بعمل می آورند، اما از آنجا که بازدارنده ها همواره محکوم به میرندگی هستند و فناپذیر، ظفر از آن رهاکنندگان و هموارسازندگان راه تکامل است. اما این نمی تواند دلیل بر این امر

## قانون جدید وزارت کار در خدمت چه کسانی است؟

پس از قیام مردم قهرمانان در ۲۲ بهمن و جایگزینی دولت موقت و شورای انقلاب و مسئولین جدید در نهادها و ادارات، بارها شنیدیم و شنیدند که از زبان مسئولین گفته شد این انقلاب متعلق به مستضعفین است. اما در عمل و در طرحریزی و برنامه ریزی ها اکثراً شاهد بودیم که عملکرد مسئولین و برنامه های آنها نه تنها در سوی برآوردن آرمانهای

## حکومت اسلامی و بینش خوارجی

خوارج از میان یاران مؤمن و وفادار علی برخاستند. خوارج کسانی بودند که جان بر کف در راه اسلام و امام خود علی علیه السلام شمشیر زدند. خوارج بیش از سایر یاران علی عبادت میکردند و پای بند شرع و حافظ قرآن بودند اما تاجر ذهنی و شکل گرای و قشری گری نمی کننده ایمان شان و قاتل جان شان شد. خوارج برداشت خود را از قرآن مطلق کردند و ظاهر اسلام و آیات قرآن را چسبیدند و محتوار اندیدند و درک نکردند. جمود فکری و قشری گری، آزاد اندیشی و آزاد مردی را از آنان گرفت. تنها تفکر خود را اسلامی و مکتبی دانسته و تنها برداشت خود را از قرآن اصالت دادند و هر کس جز خود را نفی و خارج از اسلام دانستند تا آنجا که علی را هم به کفر متهم ساختند، و تنها به شرطی حاضر بهمکاری با او بودند که توبه کند! و به اسلام و ایمانی که آنان میشناختند بازگردد.

## حماسه پایداری دلاوران فلسطین در نزل زعتر

زمان، زمان رهایی خلقهای تحت ستم است، دوران عصیان و نورش، بر علیه ظلم، بر علیه استعمار و استبداد و استثمار، مگر تا کی میتوان زیر بوغ استعمارگران بود و دم نزد، تا کی امیرالیهستیا و صهیونیستها خون خلقها را می کشند و از آن بر توسعه جنایات و خیانتهاشان، به بشریت استفاده نمایند، ملتها تا کی می-توانند شاهد حضور بیگانه، سرقه متابع اقتصادیشان، و در کنار آن فقر و محرومیت خود باشند، شاهد بدبختی و فقر و نیازمندی به غذا، دارو، و هر آنچه انسان بدان نیاز ضروری دارد، راستی تا کی میتوان شاهد استعمار بنوع قدیم و جدید بود، شاهد روشهای نوینی که هر لحظه در اطاقها در بسته و در پشت میزهای بزرگ برای کسب منافعشان می آفرینند، تا هر چه

بقیه در صفحه ۱۱

## شیوه عمل انقلابی

یکی از روشهای هدایت تحول در جامعه، استفاده از نیروی واقعی مردم و تکیه بر آنهاست، که نه تنها مردم را مضر نمی داند، بلکه حضور و وجود آنان را در صحنه یکی از شروط اساسی و ضروری برای پیاده شدن اصول مکتب و وقوع انقلاب و تداوم آن قلمداد می کند.

ایمان و اتصال بخدا و تکیه بر بوده مردم امکان پذیر است. بسم الله الرحمن الرحیم ضربت علیهم الذله این ما تقوالا یحبل من الله و حیلن الناس (آل عمراء ۱۱۲) زوال و نابودی گریبان دشمنان مردم را هر کجا که باشند خواهد گرفت و این کار با

بقیه در صفحه ۳

# آمت

## ریشه‌های بحران و انحرافات در... بقیه از صفحه ۱

هزار شهید و تحمل مصائب فراوان و با صبر و شکیبایی تمام پیروزی را بجنگ آورده دودستی تقدیم کسانی کردند که یا در داخل بودند ولی بدون تجربه انقلابی، یا از خارج آمده، تجربه و روحیه انقلابی، هیچیک را نداشتند، نورسیده و حیوانی نام و عنوان. در حکومت ۱۸ ماهه این اشخاص مردم انتظار و هدفهای انقلاب را

**عملکرد جریان‌های ارتجاعی از یک طرف و ضعف و پراکندگی نیروهای انقلابی مسلمان و شکست رهبران روحانی وابسته به روحانیت متعهد - در اداره کشور و رهبری انقلاب - از طرف دیگر، زمینه ذهنی را به نفع جریان لیبرالی مساعد می‌کند.**

برآورده نمی‌بینند و بعکس شاهد دعوی آنان در تقسیم غنائم و یا به تعبیر امام ارت پدرباشند. خطاست اگر تصور کنیم با یک آشتی ساده طرفیهای درگیره و توافق بر سر معرفی یک نفر از چند نفری که مطرح هستند به عنوان نخست‌وزیر بحران سیاسی انقلاب خاتمه مییابد. زیرا این بحران در اصل دو ریشه دارد که اگرچه از هم جدا نیستند ولی اگر فقط یکی قطع شود، و دیگر باقی بماند، باز هم بحران و کشمکش و تضاد رشد خواهد کرد.

### ریشه‌های بحران سیاسی انقلاب

(۱) ریشه اول بحران در پیش و خصلت افراد و شخصیت‌های مسئول است. همان که امام بدان اشاره کردند. فقدان بینش انقلابی و تسلط هوای نفسانی بر افراد. در این حالت اشخاص به انگیزه منافع و مصالح شخصی قبول مسئولیت می‌کنند و حتی خدمت اجتماعی و انجام وظیفه وسیله‌ایست برای ارضای تمایلات فردی. در این افراد، "من" محور می‌شود و استکبار پدید می‌آید. وقتی بجای "مکتب" و اصول "من" حاکم بر انگیزه‌ها و تصمیمات و اقدامات اشخاص بود، هر کس خود را محور قرار می‌دهد و انتظار دارد دیگران خود را با تمایلات "من" او منطبق سازند. این را یک انحراف آشکار از مکتب می‌دانیم در پیش مکتبی معیار و محور "خدا" یا واقعیت واحد و مطلق و مستقل از ذهن‌ها و من‌هاست و همه باید خود را با "او" منطبق کنند، در صورتیکه در خصلت استکباری "من" مستکبر محور قرار می‌گیرد. مستکبر حقیقت را در خود محصور می‌داند و پیش خویش را ملامت حقیقت می‌گیرد. کسی را بالاتر از خود نمی‌شناسد. مستکبر خود را برترین، شاسته‌ترین و حق مطلق

خود گشته و به استضعاف کشیده باشند، درگیری پیدا نمی‌شود. همه تبعیت می‌کنند و صلح برقرار می‌شود. فرعون مظهر استکبار است و قوم و ملت خود را به استضعاف می‌کنند. مستضعف تا وقتی آگاه و آزاد نشده، تبعیت می‌کند. لذا جنگ و نزاعی نیست. اما چون موسی و بنی‌اسرائیل بندهای استضعاف را می‌کنند، و خوشتن انسانی خود را درمی‌یابند، تبعیت کور کورانه غیر ممکن و جنگ آغاز می‌شود. پس یکی از راه‌حلهای بحران و از بین رفتن کشمکش و اختلاف آنستکه همه از یک نفر تبعیت کنند و خود را با او منطبق سازند. خصلت استکباری با تمایلات استعلا، برتری-جویی همراه است و مستکبر اگر بر بیماری

آستانه انتخابات اعلام کرد. و کنگره اثی که به همین منظور تشکیل شد تا موقت بود و سپس جای خود را به دفتر هماهنگی مردم و رئیس‌جمهور داد تا کاندیداهای هماهنگ با رئیس‌جمهور معرفی کند و سرانجام چون حزب جمهوری اسلامی در این مسابقه پیروز شد و اکثریت نمایندگان مستقل از رئیس‌جمهور بودند، با مجلس از در مخالفت درآمد. برداشت رئیس‌جمهور از ده میلیون رای در انتخابات ریاست - جمهوری نیز نادرست بود. تصور می‌کرد ده میلیون رای دهنده بی‌قید و شرط و صرفا بر اساس شناخت وی به "او" رای داده‌اند و لذا انتظار داشت که از آن‌س هرحه سکوت انجام دهند. در حالیکه مجموعه‌ای



از عوامل و شرایط در رای مردم تأثیر داشت. چنانکه اقبال و رای اعتماد میلیونها مردم به رئیس‌دولت موقت بعد از معرفی و انتصاب از جانب امام خمینی نمی‌توانست معنای یک معیار مطلق بگاز رود.

از جنس مجلسی باید انتظار داشت که بی‌چون و چرا تابع رئیس‌جمهور باشد. این انتظار هم خلاف مکتب و هم خلاف قانون اساسی و هم خلاف واقعیت‌هاست. خلاف اصول است زیرا شخص معیار نیست، بلکه اصول معیارند. علی میفرماید حق را با اشخاص تسجید بلکه اشخاص را با حق بسنجید. خلاف قانون اساسی است زیرا رئیس‌جمهور در قانون اساسی که خود در خبرگان بیان رای داده است و طرفین روی آن توافق داشته‌اند مقایسه است بیشتر تشریفات و نقش هماهنگ‌کننده دارد و هرگز محور نیست. محور مجلس مقننه است. اساس تصمیم‌گیری در اسلام بر دو اصل استوار است: حاکمیت اصول و شورا و قانون اساسی (صرف نظر از نارسائیهایش و صرف نظر از اینکه ما آنرا "کامل" مکتبی نمی‌دانیم ولی لازمیترین دعوی در تدوین آن شرکت داشته و آنرا بطور کامل پذیرفته‌اند) ایندو را در دو ارکان شورای نگهبان و مجلس شوری جمع کرده است. پس مقام و ارکان اصلی تصمیم‌گیری و وضع قانون و انطباق دادن آن با اصول مجلس میباید. رئیس‌جمهور نه وضع قانون می‌کند و نه طرح و تصویب‌نامه که اینهم کار دولت است. پس درست بعکس آنچه ایشان خواستار بوده است، دولت و رئیس‌جمهور باید خود را با مجلس هماهنگ سازند و مجلس هم طبیعتا باید هماهنگ با اصول (قانون اساسی و مکتب) حرکت کند. در حقیقت اگر رئیس‌جمهور این درخواست غیراصولی و غیر-منطقی را از ابتدا طرح نمی‌کرد و اصرار نمی‌ورزید که مجلسی هماهنگ و در خط او تشکیل شود، و منطبق با نظریات او عمل کند، اختلافات به این صورت اوج نمی‌گرفت. در موضوع معرفی نخست‌وزیر،

**مجموعه‌ای از عوامل و شرایط در رای مردم به رئیس‌جمهور تأثیر داشت - چنانکه اقبال و رای اعتماد میلیونها مردم به رئیس‌دولت موقت بعد از معرفی و انتصاب از جانب امام خمینی نمی‌توانست به عنوان یک معیار مطلق بگاز رود.**

مستکبر می‌چسبند و خود را بالا می‌کنند و نان در نثر حکومت وی می‌پزند و مستکبر هم به باران ضعیف و مردمی مستضعف نیازمند است. طبیعی است تا این خصلت‌ها در افراد وجود دارد، نه مستکبرین می‌توانند با هم کنار بیایند، و نه مردم آزاده می‌توانند حاکمیت استکبار را تحمل کنند.

### درگیری مجلس و رئیس‌جمهور

یکی از علل بحران فعلی و کشمکش بین مجلس و رئیس‌جمهور در اینستکه رئیس‌جمهور از ابتدا خواهان مجلسی بود در خط و هماهنگ با خود و این خواست را در

کردند و از خدا و خلق عذر خواستند. اکنون می‌پرسم آیا ناگامی حکومت‌ها مربوط به اختلاف و نزاع بین آنان بود؟ میبینیم هر دو جناح و شخصیت‌های مسئول تا این اواخر در صلح و همکاری بسر می‌بردند. درست است که خصلتهای استکباری و اختلاف بینش بین دولتمردان، اعضای دولت و شورای انقلاب عامل مهمی در ایجاد کشمکش‌هاست لکن برای تبیین آن کافی نیست، چه سا افرادی که خصلت‌های منفی و غیرنوحیدی هم ندارند، لکن چون در مسیر یک جریان فکری و اجتنافی قرار می‌گیرند، عملکردشان غیرانقلابی و غیر-مکتبی می‌شود.

بی‌برده باید پذیرفت که جریان‌های اجتماعی و فکری که در شکست دولت موقت و در ناکامیهای بعدی مسئولیت دارند، هنوز پابرجا هستند. جریان فکری - سیاسی، لیبرالی و سازگاری علیرغم ضرورت‌هایی که بعد از اشغال لانه‌جاسوسی منحل شده، هنوز در قدرت سهم است و شرایط و زمینه‌های احیا و رشد مجدد و کسب قدرت کامل برای آن فراهم می‌باشد. علاوه بر شرایط عینی نظیر ساخت اداری - سیاسی و نظامی و مناسبات درونی ارتش و ساخت اقتصادی و روابط تولیدی که همه هم‌چنان در جهت رشد یک حکومت لیبرالی و وابسته عمل می‌کنند، عملکرد جریان‌های ارتجاعی از یکطرف و ضعف و پراکندگی نیروهای انقلابی و مسلمان و

**علیرغم تسلط این جریان‌های غیرانقلابی و غیرمکتبی بر دستگاه‌های دولتی و مراکز قدرت، شعور و شور انقلابی مردم و نیروهای جوان و متعهد و مسلمان از بین نرفته و امیدوار به آینده سعی می‌کنند انقلاب را در مسیر اصلی خود به پیش برد.**

سکست و ناگامی رهبران روحانی، وابسته به روحانیت متعهد، در اداره کشور، و در تشکیل یک‌حزب و حکومت انقلابی، از یک طرف زمینه ذهنی را بنفع جریان لیبرالی مساعد کرده، و از طرف دیگر میدان را برای نفوذ و رشد سریع عناصر و جریان‌های فرصت طلب و مرتجع و فتری و حتی منافق و ضد-انقلاب باز گذاشت.

چنانکه قبلا هم گفتیم، جریبی که تشکیل شد، در عمل جتر حمایت و بال کسرت‌دهای بود از روحانیت مبارز بر این جریان‌های ارتجاعی و فرصت‌طلبی و پلی شد برای آنها که مراکز قدرت و تصمیم‌گیری را یکی یکی اشغال کنند. البته این سواي حمایتی است که در ابتدا در بقدرت رساندن لیبرالها بعمل آوردند. احساس خطر و رقابت در احراز قدرت از جانب لیبرالها و تضاد بینش با نیروهای انقلابی هم فرصت‌طلبانی به ارتجاع و سازشکاری و به سرمایه‌داران و فئودالها داد. تا جریخهای انقلاب را از کار ببندازند و اوضاع را به نفع خود تغییر جهت دهند و هم آنانرا در اشغال کلیه مواضع قدرت جریبی کرد، بطوریکه این تمایل شدید به انحصار قدرت چون با امکانات واقعی آنان هماهنگی نداشت، ناچار بیش از پیش از عناصر و جریان‌های وابس‌گرا و فتری و یا فرصت‌طلب استفاده کردند. حکومت این اشخاص و جریان‌ها که با تمایل و تلاش شدید به انحصار قدرت تمایل بود، سبب نارضایتی روزافزون مردم و تشدید تضادهای درون مردم گردید. آزادی و عفو ساواکیها، ضعف دادگاه‌های انقلاب و آزادی عمل سرمایه‌داران و فئودالها و حمایت‌هایی که از آنان بعمل می‌آمد، تصفیه نشدن ارتش و ادارات و باقیماندن فرماندهان و رؤسا و مدیران طاغوتی، تشدید بحران بیکاری و گرانی و تورم، و اوج‌گیری کشمکش و اغتشاشات داخلی و درگیریهای غیراصولی بین گروه‌های احزاب سازشکاری در برابر امپریالیسم، رقابت در بدست گرفتن کنترل و اداره نهادهای انقلاب - سپاه پاسداران، جهاد و... مشاهده فساد و دزدی و سوءاستفاده‌های مالی در نهادهای جدید، چون بنیاد مستضعفان و دهها موارد مشابه دیگر همه در نتیجه حاکمیت این دو جریان پدید آمد

### خطر جریان‌های منحرف از خط انقلاب همچنان باقیست

ریشه دوم بحران در حاکمیت و سلطه جریان‌های فکری و اجتماعی خاصی است که از آغاز تاسیس جمهوری اسلامی بر امور مسلط شدند. این جریان‌ها اند که حتی عمل افراد و شخصیت‌ها غالباً در رابطه با آن قابل تفسیر است. یعنی بدون در نظر گرفتن این عامل تصویر ما از بحران ناقص و عوامل آن ناشناخته می‌ماند. بهمین جهت نوشتیم توافق روی یک نخست‌وزیر بدون قطع ریشه دوم مشکلی را حل نمی‌کند. آتش‌بسی است، موقتی و راه حلی است سطحی.

برای روشن شدن مطلب می‌پرسم مگر نه اینستکه مردم و رهبر انقلاب به‌کرات از عملکرد حکومت در ۱۸ ماه گذشته انتقاد کرده، آنرا منطبق با هدفهای انقلاب و اصول مکتب ندانسته‌اند، مگر نه اینستکه گفته شد نظام شاهنشاهی و حاکمیت استعماری محفوظ مانده و تغییرات انقلابی انجام نگرفته و حتی امام اعتراف به خطا

## برای خنثی کردن توطئه‌های امپریالیسم وحدت همه نیروهای پیرو خط امام ضرورت فوری دارد



# امت

## عشایر سیرجان را دریابید

در زمان طاغوت، خانها با اعمال نفوذ و رشوه‌داندی، مراتع عشایر رحمتکس را بنا خود ثبت نموده و پروانه‌های دام گرفته‌اند، و حال آنکه اغلب آنها در شهرها زندگی می‌کنند.

حد که در زیر بی آمد، توسط عده‌ای از برادران مسیعی حیات سازندگی سیرجان را که تسرده‌ای از سرخ استغای آنان در امت ۵۹ آمده است) تهیه شده است: سیرجان یکی از سیزدهای استان کرمان است که در جنوب غربی شهر کرمان و فاصله ۱۸۰ کیلومتری از آن واقع است. جمعیت شهری آن حدود ۶۰ هزار نفر است که با روستاهای تابعه جمعیت این شهرستان به یکصد و بیست هزار نفر می‌رسد. اطراف سیرجان محل زندگی محرومترین قشر منطقه، یعنی چهل هزار نفر عشایر سیرجان، که صورت اصلی زندگی می‌کنند، می‌باشد. (۱) شامل ۸ ایل مهم و ۸ طایفه) این عشایر ناسنان را در مناطق سرد نسیم (سلاقی) که در غرب و جنوب سیرجان واقع است، در حادرهایی که روی زمین صحت می‌کنند، می‌گردانند و در زمستان در مناطق سلاقی که در منطقه‌های محصور به کوئیر - بردسیر - روجون، قرار دارد، هر جاوار کودالی حفر کرده (بورت) و روی آن حادری (بلاسی) می‌کنند که در قسمت استپایی آن دامپاشان وحلوی آن عشایر در گذشته و حال چنین است:

(۱) کمبود آب: کمبود آب آشخور کوفسد آنها را وادار به حفر جاهایی با دست خود کرده است که با سفید و سواری می‌یاست بوسلهٔ سطل (دلو) آب به بالا کشد.

محدودیت این جاهها و فقر اقتصادی و عدم امکانات برای حفر جاههای بیشتر، موجب کسه که بر سراسر منطقه از آنها، اغلب بزاعیای قبیلای رخ دهد.

بر اثر عدم امکان تهیه خوراک دام که نتیجهٔ کمبود آب میباشد، عشایر قادر به پروراز کوفسدان کوچک خود نمی‌باشند و در نتیجه محصور مسوند که این کوفسدان را به کسانیک اصطلاحاً به آنها چوب دار یا سلف خر و یا ناحیک می‌گویند. به قیمت خیلی ارزان بفروشند و آنها چون امکان پروراز کوفسدان را دارند، پس از پروراز به نتم سبارزیادی می‌فروشند.

(۲) کمبود مرتع: در زمان طاغوت، خانها با اعمال نفوذ و رشوه دادند، مراتع عشایر رحمتکس را بنام خود ثبت نموده و پروانه جاری دام گرفته‌اند و حال آنکه اغلب آنها در شهرها زندگی می‌کنند و دامدار نیز نیستند. عشایر محرومی که اسحاق به مرتع دارند می‌یاست به ازای استفاده ای که از این مراتع می‌نمایند، مبلغی در سال بعنوان "درمه" به خانها سدرارند. مناسفانه این وضع هنوز ادامه دارد.

(۳) مشکل وام: مشکل گرفتن وام هنوز هم دامنگیر عشایر است. ریاست بانک کشاورزی سیرجان بعهده شخصی است که تلاً نیز عهده دار همین سمت بوده است. در خوش خدمتی ایشان همین س که هنگامیکه برادران جهاد سازندگی با اصرار، اعلام بلان کار و صورت برداشت و اطمینان برداشتی را از وی خواستند،

## خبری از گردهمایی شوراهای اسلامی کارگران

در روز جمعه سوم مرداد بدعوت کانون شوراهای اسلامی کارگران، شوراهای کارگران در مسجد صاحب الزمان گرد هم آمدند و مشکلات و مسائل کارگری و کارخانجات را بیان کردند. در این گردهمایی چندتن از نمایندگان مجلس نیز حضور داشتند. برنامه در ساعت ۹/۵ صبح با تلاوت آباتی چند از قرآن مجید آغاز شد. سپس کارگری از کارخانهٔ کاتر بیلار درباره شوراهای اسلامی کارگران و عملکرد آنها در قبل و بعد از پیروزی انقلاب سخن گفت. آنگاه برادری از کانون شوراهای اسلامی کارگران مشکلات شوراهای را در رابطه با وزارت کار و مهربان دولتی و سرمایه داران بررسی کرد و علت عدم پیشرفت شوراهای

## بیکاری و مسئلهٔ دکه داران

مسئله بیکاری یکی از مشکلات عمده‌ای است که انقلاب ما با آن دست بگریبان است و مسئولان امور نیز تا بحال در جهت حل این مشکل، گام اساسی برنداشته‌اند و حتی در بعضی موارد با ارائه طرح‌های منفرد و بدون در نظر گرفتن کلیه جوانب یک شکل، و یا پیشنهاد طرح‌هایی که به مسئله و مشکل موجود در جامعه بطور ریشهای برخورد نمی‌کنند، به حادری شدن بحران کمک نموده‌اند. شهرداری تهران نیز جندی بیش، پس از صدور اطلاعیه‌ای اقدام به جمع آوری دکه‌های خیابانی نمود. این درست است که بعضی از این دکه‌ها به مراکز برای اشاعه فرهنگ مسندل غربی تبدیل شده و جو فرهنگ صرفی پیشین را دامن می‌زدند، یا با سد معبر باعث بوجود آوردن اشکالاتی در سطح شهر می‌شدند، اما آیا اتخاذ این شیوه بهترین روش برای حل مسئله دکه داران بود؟ ما شاهد آن بودیم که در جمع آوری دکه‌های خیابانی، بسیاری از کناغروسی‌ها (بدلیل مسائل سیاسی و عقیدتی) مورد هجوم قرار گرفتند و با افرادی سرمایه کوچگان را که تمامی زندگیشان را تشکیل

میداد در این جو آشفته از دست دادند و بسیاری عناصر فرصت طلب که مرصد چنین اوقاتی هستند با اهداف خود را حاد عمل بی‌بوشاند. از این فرصت استفاده نموده و درگیری‌ها را دامن زدند. البته در میان دکه داران افراد فرصت طلب و ناچاران سود جو نیز وجود دارند که سرمایه‌های خود را در قسمت‌های مختلف بکار می‌کنند تا حداکثر استفاده را از آنها ببرند. اما اکثریت دکه داران را افرادی که بدلائل مختلف، مشاغل خود را از دست داده و بیکار شده، و با حیوانی‌گی برای امرار معاش به این کار روی آورده بودند، تشکیل می‌دادند. دلیل اصلی رشد سریع این بدیده در بعد از پیروزی انقلاب را باید در مسئله بیکاری جستجو کرد، که طرح‌های نیم بند و نسکی که از سوی مسئولان ارائه شد گمگی به حل‌بنیادی آن نمی‌کرد. همچنانکه در سال گذشته شاهد بودیم، سخنگوی دولت به برنامه‌های اشاره کرد که در آینده نزدیک! و در مرحلهٔ عمل، ۱۰۰/۰۰۰ نفر را در امور تولیدی به کار مشغول خواهند کرد. اما این طرح هم مانند بسیاری طرح‌ها و گفته‌ها، بر روی کاغذ باقی ماند و در این جهت اقدام عملی صورت

# روز قدس، روز اتحاد مستضعفین

بیت المقدس شده، از دولت و مسئولین خواستند تا با هر کشوری که سفارت خود را به بیت المقدس انتقال دهد، قطع رابطه کنند. همچنین در بخش دیگری از قطعنامه از مبارزه دانشجویان حمایت عمل آمده، و ضمناً خواستار این شدند که هرچه سریعتر در جهت تشکیل سپاه بسیج ملی اقدام شود تا بتوان از آن برای رهایی فلسطین از یوغ اسارت صهیونیسم و امپریالیسم استفاده نمود.

با امید تشکیل چنین سپاهی، و با امید پیروزی برادران و خواهران فلسطینی، بانتظار روزی هستیم که همهٔ مستضعفان با قیامی شگرف، دشمن غدار بشریت را برانو درآورده و سرنگون سازند. نابود باید امپریالیسم و صهیونیسم بیروز باد مبارزات آزادیبخش فلسطین برقرار باد اتحاد همهٔ مسلمین

رزمیده ما در فلسطین و جنوب لبنان، در راه دفاع از آرمان مقدس خویش به خون می‌غلغند و آشیانه خویش را از دست می‌دهند و کودکان خویش را آواره می‌سازند، این کودکانی که قلبهای شهیدشان آماج نیرهای اسباب دشمن می‌شود و بدنهایشان بی‌لباس در آفتاب سوزان می‌سوزد. اما دشمن همچنان متنازد و به پیش می‌رود، و نه تنها فلسطین که فرات و نیل و خلیج را نیز محاصره می‌کند.

اینک با هجومش به بیت المقدس هم تسلط بر نوار رود اردن را می‌خواهد تا تجاوزات خویش را به جنوب لبنان و آوارگان فلسطینی بیشتر کند و هم قصد فراموش ساختن فرهنگ و تاریخ فلسطین را در این عمل خویش دارد. اینک برای سباز از جان گذشته تنها یک راه بیش نمانده و آن همانکه امام در سخن خویش اشعار کرد، که در این روز مستضعفین همگی باید برای سرنگونی مستکبرین بقیام برخیزند. ای مردم و ای مسلمین جهان بیاخیزید و دشمن را ندای سبزی دهید، و قطره قطره خون خویش را به گل سرخی در سرزمین قدس میل سازید، تا جهنمی را که امپریالیسم و صهیونیسم برایمان در فلسطین ساخته‌اند، به بهشت سرخ تبدیل سازیم.

انقلاب اسلامی ما اینک با دو رسالت بزرگ در رابطه با حرکتهای آزادیبخش و ملت‌های مسلمان روبروست. اولاً باید با تمام امکانات و قوای خویش در جهت گسترش انقلاب اسلامی ایران و حمایت همه‌جانبه و بی‌دریغ از جنبشهای آزادی-بخش پیردازد و ثانیاً باید گامهای اساسی و مؤثری در جهت اتحاد ملل مسلمان بردارد تا با این پیوستگی ملت‌های مسلمان در مقابل امپریالیسم آمریکا که در صد حفظ منافع استراتژیک خویش در منطقه از صهیونیسم طرفداری می‌نماید، بیاخیزند. این نه تنها وظیفه ما که بر دوش همه ملت‌های مسلمان از هر قشر و فرقه‌ای که هستند، و در هر سرزمینی که بسر می‌برند، سنگینی میکند، که هنگامیکه صفوف مسلمین متفرق و پراکنده است، جنایتکاران خواهند توانست از این تفرق بهره‌برداری کرده و حقوق مسلمین را و همهٔ مستضعفین را به زیر پا نهند.

بر آنهائست که روز قدس را به روز قیام مستضعفین علیه مستکبرین بدل سازند و سرنوشته خویش را بدست گرفته با جنگ و دندان بر سر متجاوزان به حقوق انسانی بنازند و بشورند. روز جهانی قدس است که در هر چندین حرکتی را بیروبراند و باید که روز آغاز چنین انقلابی جهانی باشد. در همین رابطه جمعه پیش ملت قهرمان و مسلمان ایران، به قصد اعلام همبستگی خویش با فلسطین و قدس و همه مستضعفین جهان، به راهبیمایی پرداخت و با شور و شوقی بی‌نظیر در جهت نابود ساختن اسرائیل و کوتاه کردن دست آن از سرزمینهای

### حکومت اسلامی و پیش خوارگی

تخریب خوارچ نشاندهد که هر مسلمان متحجر و متعدی را نمیشود مؤمن واقعی خواند و صلاحیت رهبری داد آنان خود را صالحتر از علی برای رهبری امت دانستند.

دشمنان انقلاب مکتبی علی فقط قاطبین ضد انقلاب و یا ناکثین، عهد شکنان نبودند. مارفین - صاحبان افکار جزمی و پیش قشری و خشک مقدسی علیرغم ایمان و اسلامشان کمرحق و اسلام مکتبی را شکستند.

### باقطع ید سرمایه داران و دلالان به جنگ گرانی برویم

مردم در گذر خود از جاسوخانه آمریکا، شعارهای مرگ بر پلیس فاشیست آمریکا، و دانشجوی خط امام بر تو درود، بر تو سلام را سدرادند و حمایت خویش را از مبارزه و مقاومت دانشجویان مسلمان در آمریکا و اروپا اعلام داشتند. در دانشگاه تهران، در برابر میلیونها جمعیتی که شعارهای اسرائیل خون آشام نابود باید گردد و... را سرمی‌دادند، ابتدا نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین قاضی‌الحسین در باره جنایات اسرائیل و اهمیت نوار رود اردن و جنوب لبنان و لزوم همبستگی همهٔ مسلمین با هم سخن راند و آنگاه قطعنامه راهبیمایی قرائت شد. در این قطعنامه مردم خواستار حمایت بی‌دریغ از جنبشهای آزادیبخش، حمایت از جنبش فلسطین شده، از مسئولین امر خواستند تا از هیچگونه کمک به آنها دریغ نورزند. ضمناً در بخشی دیگر از قطعنامه خواستار پیوند و اتحاد همهٔ مسلمین جهان و تلاش برای جلوگیری از اقدام اخیر اسرائیل در انتقال پایتخت خود به

# مبارزه علیه فئودالیسم را با قاطعیت بسراسر کشور گسترش دهیم



# است



## نقش مکتب فکری انبیا در تاریخ

دهن" و آگاهی نفس زبرینا پیدا میکند و روابط تولیدی که از آن تبعیت کرده است، نقش روینا را بازی می‌کند و تازه بعد از این تعبیرات است که ابزار تولید تکامل می‌یابد و تولید مرحله صنعتی شدن کام می‌نهد. مشاهده این واقعاتها و تناقضات و

**اگر انسان را بدون استعداد های انسانی اش در نظر بگیریم، انگیزه های جسمانی و مادی است، و رفتار و اعمالش را شرایط اجتماعی و مناسبات تولیدی تنظیم خواهد کرد.**

در این نظریه، زبرینای اصلی در تحول اجتماعی، ابزار کار و شرایط تولید است که مناسبات تولیدی روینای این زبرینا و شخصیت و رفتار انسان روینای زبرینای اخیر است.

البتة باید گفت که روابط و مناسبات تولیدی با ایجاد رویناهائی چون اخلاقی، علم، هنر، مذهب، قوانین و... انسانها را تحت تاثیر و پرورش خود قرار میدهند. نقش انسان در این نگرش اجتماعی و تاریخی عملاً محدود به اقداماتی است که روی محرکها و نیازهای اولیه خود آنهم ناآگاهانه انجام میدهد. ناآگاهانه نه از این نظر که محیط کار و ابزار تولید را نمی‌شناسد و نمی‌داند چه چیزی تولید می‌کند، بلکه از این نظر که از نتایج کار خود غافل است، نمی‌داند با عمل خود ابزار تولید و شرایط آنرا تغییر می‌دهد، نمی‌داند که با این تغییر، مناسبات تولیدی و اجتماعی را تغییر می‌دهد و نمی‌داند که با این تغییر خود را هم تغییر می‌دهد. پس در عین حال که مناسبات اولیه خود اس تعبیرات و مناسبات تولیدی کار انسان

بنسبتهای دیگر در این نظریه و نیز بارسانی آن از توضیح بسیاری واقعاتهای اجتماعی و تاریخی سبب گردید، تعدیلی در رابطه زبرینا و روینا بوجود آورنده این ترتیب که گفتند: درست است که روینا تابعی است از زبرینا، لکن پس از آنکه رویناها زیر تاثیر عوامل زبرینای تغییر کردند، به نوبه خود بر زبرینا تاثیر می‌گذارند و آنرا دستخوش تحول میسازند. یعنی در اینجا فکر نقش زبرینا بازی می‌کند و رابطه دیرین بین زبرینا و روینا برهم می‌خورد و واژگون می‌گردد.

این تعدیل مشکلی را حل نمی‌کند که بعضی بر مشکلات و تناقضات درونی نظریه فوق میا - فرزاید. اگر افکار و عقاید افراد و رفتار اجتماعیشان متأثر از روابط و مناسباتی است که در آن قرار می‌گیرند، چگونه میتوانند صاحب فکر و عقیده‌ای بشوند که کمترین رابطه علت و معلولی با آن روابط و مناسبات ندارد؟ اگر افراد هر کدام محصور در مناسبات تولیدی بوده، متناسب با نوع رابطه‌ای که با ابزار تولید دارند، می‌اندیشند و عمل می‌کنند، در اینصورت چگونه است که می‌بینیم افرادی دارای عمل اجتماعی و اندیشه و عقیده‌ای متاثر با الزامات طبقاتی خویش هستند.

در مقابل این نگرش، نظریه دومی قرار دارد که در آن اصلت را بجای شرایط محیط اجتماعی به انسان می‌دهد، در این نگرش انسان، آلت کور و بلااراده‌ای در دست شرایط تولیدی و اجتماعی نیست. انسان همیشه نقش تابع در برابر محیط و مناسبات و بناگاه طبقاتی ندارد، انسان همیشه نسبت به نتایج اقدامات خود جاهل نمی‌باشد و انسان یکسره پرورده محیط طبیعی و با اجتماعی نیست. انسان همیشه در برابر جامعه و تاریخ تاثیرپذیر نبوده، بلکه میتواند بصورت یک عامل تعیین‌کننده در جامعه ظاهر شود. در بحثهای قبل در

**تحول و تکامل ابزار تولید، نتیجه جبری کار و تولید اقتصادی از یکسو، و حس کنجکاو و تازه جوئی و تنوع طلبی و فزون خواهی انسان است**

یازده نفس انسان در جامعه و تاریخ صحبت شد. در آنجا گفته شد که انسان با بهره - مندی از قدرت شعور و درک و با داشتن استعداد های تعالی جوئی، کمال طلبی با برصه زندگی می‌گذارد، تا وقتی وجدان و شعور انسانی شخص رشد و ظهور ندارد، تا وقتی انسان به مرحله ادراک و خود - آگاهی نرسیده است، محرکی جز تأمین احتیاجات جسم خویش ندارد و لذا تحت تاثیر این محرکها در طبیعت به جستجوی غذا و بناگاه می‌پردازد و در نتیجه وارد مرحله تولید و ابزار سازی می‌گردد. اگر

ابزار صید و تولید، روابط بین آنان در رابطه با ابزار کار و شرایط تولید تعبیر پیدا می‌کند و مثلاً مالکیت خصوصی هر فرد بر ابزار کارش جای مالکیت عمومی همه افراد را می‌گیرد. بهین نحو با هر تغییر در شرایط تولید و ابزار کار تغییر متناسب در مناسبات مردم و روابط تولیدی پدید می‌آید. و چنانکه دیدیم محور اصلی مناسبات تولیدی یا روابط اجتماعی، نحوه تسلط ابزار تولید می‌باشد. بدینسان مالکیت فردی یا برده‌داری یا مالکیتهای ارضی یا ناهنشاهی و فتوئالدین با سرانجام داری در این نظریه همگی مربوط به تغییراتی است که در شرایط و ابزار تولید حاصل می‌شود. به عبارت دیگر در این تغییرات و تحولات، انسانها نقش فعال و تعیین‌کننده ندارند. انسانها آلت و ابزاری در دست شرایط تولیدند. درست است که عمل آنان سبب تکامل ابزار تولید و تغییر شرایط اقتصادی شده، لکن موقعیت آنان سبب موقعیت جرح دنده یک کارخانه است که زیر فشار نیروی محرکه ناشی از سوخت و یا موتور کارخانه می‌چرخد و با این چرخیدن دستگاههایی را حرکت می‌آورد و بواقی مشکل را در فالیتهای می‌ریزد و محصولاتی بیرون می‌دهد. انسان هم تحت تاثیر و فشار موتور محرکهای حساسی برای زنده ماندن و بدست آوردن غذا و رویه‌رفته سود و منفعت کار می‌کنند و با کار خود ابزارها را کالتر می‌کنند و تولید را افزایش می‌دهند، ولی چنانکه حرکت جرح‌دنده تابع حرکت کل سیستم و شرایط حاکم بر آن است، حرکت انسان هم تابع مناسبات تولیدی حاکم می‌باشد.

به عبارت روشن‌تر نوع رابطه و تعلق خاطر انسانها به ابزار کار تولید، صرفاً

**اگر برای بشر راهی جز پیروی از یکی از دو منبع حکم و فرماندهی شرایط اقتصادی و مناسبات تولیدی، یا امیال و غرائز نفسانی، راه و انتخابی دیگر وجود نداشته باشد، برای انسان نمیتوان نقشی در تاریخ قائل شد.**

مربوط به درجه تکامل آن ابزار است. در حالیکه اگر دقیقتر ساله را بررسی کنیم، منوجه می‌شویم که حتی با این دید یک بعدی به انسانیم بسین چگونگی تحول جامعه و تاریخ بکنک نظریه اول دشوار با غیرممکن است. بر اساس نگرش فوق چون زبرینا شرایط و ابزار تولید است، مناسبات تولیدی (نوع مالکیتها) فقط تابعی است از آن شرایط. و انسان قاعدتاً نمی‌تواند مناسباتی را که با آن زبرینا سازگاری ندارد، برقرار کند. مثلاً اگر در مرحله تولید کشاورزی با خیش و گاواهن، تنها شکل مناسبات متناسب با آن برده‌داری باشد، بدون تغییر در ابزار کنت و زرع و شیوه تولید (زبرینا) تغییر مناسبات تولیدی (برده‌داری) غیرممکن

مباحث اقتصادی خاص ندانسه، تضادها و کشمکشهای درونی طبقات حاکم و بین داوطلبان سلطنت در یک خانواده ناهي را به چه عاملی میتوان نست داد؟ قیال اوس و خزرج با حنکهای تحلیل‌برنده بین خود موقعیتهای اقتصادی خود را به نفع قیال یهودی منرب از دست دادند. چه بسار اتفاق می‌افتاد که خونی که در یک نزاع بین دو نفر بر زمین ریخته مستد، مناسبات سلسله جنگهای خونین می‌گردید که سالهای سال بطول می‌انجامید. و در این میان امتیاز خاص اقتصادی وجود نداشت تا دست بدست گردد.

ادامه دارد

میباشد. در صورتیکه در واقعیت امر جنس چیزی ممکن است و در بسیاری جوامع در حالیکه تغییری در ابزار کنت و شرایط تولید حاصل نشده، انواع دیگری از مناسبات اجتماعی نظیر مالکیت و تولید خصوصی و خانوادگی با بزرگ‌مالکی و رعیتی با فتوئالدین و سرواز و با حتی مالکیت و تولید دستجمعی و استراکی پدید آمده است. بین معلوم میشود که تغییر مناسبات تولیدی و اجتماعی تابع تکامل ابزار تولید نمی‌باشد و به عوامل دیگری مربوط می‌شود.

تحول و تکامل ابزار تولید نتیجه حبری کار و تولید اقتصادی از یکسو و حس کنجکاو و تازه‌جویی و تنوع‌طلبی و فزون - خواهی انسان است. زیرا چه بسا اکتشافات و اختراعاتی که تحت تاثیر این انگیزه‌ها انجام گرفته و بسین در امر تولید اقتصادی بکار رفته است، حنکهای یکی از سرچشمه‌های بزرگ اکتشافات و اختراعات علمی و فنی است. و استفاده از این اکتشافات در تولید اقتصادی نتیجه فرعی و یا حاسنی آن بوده است. و ممکن است بگویند حنکها خود حاصل رقابتهای اقتصادی است. در پاسخ باید گفت بغرض اینکه همه حنکها نتیجه رقابت‌های اقتصادی باشد، باز هم نمونان دستبندی به اکتشافات علمی و اختراع وسایل و ابزارهای جدید را که حاصل ضروریتهای جنگ است، مستقیماً به تلاش تولیدی انسان ربط داد. علاوه نمی‌توان گفت که حنکها نتیجه رقابتهای اقتصادی است. انگیزه قدرت‌طلبی و سلطه‌جویی یکی از محرکهای اساسی حنک بین قدریتهاست. حنکهای طولانی و ظاهراً با بیان‌ناپذیر بین بسیاری قبایل که محرک رؤسای قدرت - طلب سلطوری می‌شوند، از اساط مستعینی یا

مباحث اقتصادی خاص ندانسه، تضادها و کشمکشهای درونی طبقات حاکم و بین داوطلبان سلطنت در یک خانواده ناهي را به چه عاملی میتوان نست داد؟ قیال اوس و خزرج با حنکهای تحلیل‌برنده بین خود موقعیتهای اقتصادی خود را به نفع قیال یهودی منرب از دست دادند. چه بسار اتفاق می‌افتاد که خونی که در یک نزاع بین دو نفر بر زمین ریخته مستد، مناسبات سلسله جنگهای خونین می‌گردید که سالهای سال بطول می‌انجامید. و در این میان امتیاز خاص اقتصادی وجود نداشت تا دست بدست گردد.

ادامه دارد

شناخت حقیقی باشند، نه ذهنی، و غیرحقیقی و این نیازی است که انسان را از آن گریزی نیست.

سوال این بود که کدام رشته علمی می‌تواند به ما در شناخت و درک این قوانین و حقایق یاری نماید؟ گفتیم که گار علوم تجربی نیست.

در میان علوم و معرفتهای بشری فلسفه مدعی اینکار بوده است. اگرچه امروزه تا حدود زیادی از این وظیفه‌صالی خود سر باز زده است. اما چنانکه بیشتر هم آمد، قلمرو مطالعات فلسفی مسایل کلی هستی، قوانین عام و مسیر حرکت عمومی پدیده‌هاست.

آنچه مسلم است، فلسفه با قرنهای سابقه گار و تلاش در این زمینه مستقلاً موقعیتی چشمگیر بدست نیآورده و رهنمودی کامل و منطقی با واقعیت هستی ارائه نداده است، رهنمودی که نیاز انسان را به آن نوع معرفت برآورده سازد. این نیست که در فرضیه‌ها و عقاید فلسفی، حقیقتی وجود ندارد، بلکه فلسفه هم همانند علم در قلمرو خاص خود توانسته است به حقایق دسترسی پیدا کند، بهین جهت هر مکتب فلسفی کم و بیش مقداری حقیقت در بر دارد. ولذا نوشتیم، حقیقت را مستقیماً از منبع اصلی آن - واقعیت مطلق یعنی خدا - توسط انبیا دریافت می‌کنیم و همان راهنما و ملاک شناخت و ارزیابی عمل است، چنانکه گذشت.

\* ادامه دارد

## مقوله‌های اساسی مکتب

می‌گردد. در این حقایق تردیدی نیست. قوانین رشد و تحول پدیده‌های نظیر دانه گیاه و جنین انسان را بکنک علوم تجربی ندیجا بدست می‌آوریم. اما قوانین رشد و تحول انسان و جامعه را بکنک کدام رشته علمی بدست آوریم؟ زیرا مسلم است که علوم تجربی با شیوه گار فعلی‌شان قادر به گفت و شناخت قوانین عام هستی نیستند. آیا می‌شود بهین دلیل (عجز علوم تجربی از شناخت قوانین عام هستی) ضرورت آنها را نفی کرد و از آنها صرفنظر نمود؟ بشر در هر حال احتیاج به معیارهایی برای تعیین نوع عمل و موضع‌گیری و رابطه با دیگران دارد، می‌خواهد کیفیت تاثیر اقدامات خود را در سرنوشت خویش بداند بشر به بقای خود علاقمند است و در پی جاودانگی است.

بشر نمی‌تواند نسبت به آینده و تحولات آن بی‌تفاوت بماند، نمی‌تواند خود را از جهان هستی منزوی کند، بشر آگاه است و شعور دارد، لذا برای زندگی خود معنا و مقهومی جستجو می‌کند، برای زندگی خود در پی هدف و غایتی است، می‌خواهد دلیل قابل قبولی برای فداکاری و گذشت داشته باشد، چون این زندگی را فنا شدنی می‌بیند، در جستجوی کیفیت

## بدون بسیج اصولی توده‌ها؛ حل‌ریشه‌ای بحران اقتصادی ممکن نیست



# آموزش و پرورش در خدمت خودآگاهی

**بکارگیری توده‌ها نه بعنوان یک ابزار قدرت، بلکه بعنوان یک نیروی فعال و خلاق و رهاسدن از مشکلات برای تحقق رشد انقلابی و ایجاد جامعه‌نویین، هنگامی امکان‌پذیر است که برنامه مشخصی جهت آموزش مردم فراهم گردد.**

پس از پیروزی هر انقلاب بخصوص در سده اخیر، عمده ترین مسائلی که کشورهای انقلابی با آن درگیر بوده‌اند عبارتند از: الف) یافتن طرح مناسب ضربتی برای تسریع رشد توسعه ملی و قطع وابستگی اقتصادی، اجتماعی. ب) ایجاد نظام متناسب اجتماعي جهت تحقق آرمانهای انقلاب، از جمله عدالت اجتماعي و مساوات. ج) جهت حل آيندو مسئله، انقلابات با بحران عمده عدم آشنائی توده های از بند رسته با آرمانهای انقلاب و شیوه های بسیج و تشکل و حرکت در سوی ایجاد جامعه نویین روبرو میباشند. ناآگاهی از یکنو به ضد انقلاب فرصت میدهد که با انواع تبلیغات، دسته بندیها و اغتشاشات و عوامفریبیها و نقوذ در ارگانها از بیشری اراده انقلاب به جلو مانعت کرده و از سوی دیگر با در دست نبودن معیارهای قضاوت و تشخیص و درک، امکان انحراف برای توده ها را فراهم می نماید. از طرفی، ساختن جامعه نویین انقلابی جز با شرکت مستقیم توده هاو بدست آمان پذیر نیست. در غیر اینصورت نیروهای که در رژیم پیشین دارای تجربیات همه جانبه ای در اداره جامعه بوده اند به بهانه طرح موضوع تخصص و تجربه، همچنان اندامها و ارگانهای اصلی نظام پیشین را ناس نگهداشته و ضمن محتاج نگاه داشتن توده ها بخود در قالیبهای فرصت طلبانه و ضن قبول ظاهری شعارهای انقلاب، حرکت کلی را بتدریج بسوی رفرمیسم یا بازگشت سار-شکارانه هدایت خواهند کرد.

بکار گیری توده ها نه بعنوان یک ابزار قدرت، بلکه بعنوان یک نیروی فعال و خلاق

و رها شدن از مشکلات یاد شده برای تحقق رشد انقلابی و ایجاد جامعه نویین، هنگامی امکان پذیر است که برنامه مشخصی جهت آموزش مردم فراهم گردد. طبیعی است که مرادمان از آموزش تنها آنکه به تبلیغات دانشی و سطحی نیست، بلکه فراهم کردن آنچنان زمینه و شرایطی است که در مسیر عمل و تجربه و بهره گیری از آموزش نظری همه استعدادهای انسانی در سوی خدمت به دیگران بارور گردد. این برنامه آموزشی باید همه توده های میلیونی را در برگیرد و طبیعتاً هدف اصلی آن ایجاد " خود آگاهی" است. در بیش مکتبی نیز این معنی بطور جدی بعنوان عمده ترین رسالت پیامبران تحت عنوان " حکمت" مورد توجه بوده است. بعنوان نمونه ربنا و ابعث فیهم رسولا" منہم یتلوعلیہم آیاتکو یعلمہم الکتاب والحکمہ ویزکیہم انک انت العزیز الحکم" مبین اهمیت خودآگاهی توده ها است. یک وجه تفاوت انقلابات مذهبی با انقلابات غیر مذهبی نیز آنستکه در انقلاب مذهبی به انسان اصالت همه جانبه داده میشود و بکار گیری قدرتهای درونی وی و رشد

**زمینه مناسب عاطفی که پایه اصلی ایجاد خودآگاهی و تحریک - استعدادهای همه جانبه افراد است، در جوانان بحدی بالاست که کار ساختن انسان نویینی که متناسب با نیازهای انقلاب باشد را بسیار ساده می کند.**

آنکزه های او و ایجاد محرکهای قدرتمند برای حرکت بطور جدی مورد نظر بوده و بعنوان زمینه ای جهت تغییر بدرنمد

تسلیم جای خود را به کشش برای دگرگون سازی و تحول بدهد. انسان با تصمیماتی که برای وی گرفته اند تبدیل به موجودی منفعل نمیشود، بلکه خود در جریان تصمیم گیری شرکت و نقش امامت خود را ایفا مینماید. در چنین جامعه ای طرح سؤال و بی گیری جراثی حرکات و رابطه ها بشدت مطرح خواهد شدو اندیشه انقلابی و درک ریشه پدیده ها بتدریج رشدو نمو می نماید. در این نظام تعصب و جاهل جای خود را به برخورد اصولی و تعالی بخش با پدیده ها میدهد زیرا به قول معصوم من تعصب او تعصب له خلع ربقة الایمان من عنقی (کسی که تعصب بخرج دهد با تعصب دیگران را بیذیرد رشته ایمان را از گردن خود باز خواهد کرد). در سایه چنین تحولی است که حفظ دستاوردهای انقلاب و تداوم آن به آنکه رشد توده مردم امکان پذیر میگردد.

اما جوانان که بالنده ترین نیروی اجتماعي هر جامعه و در حقیقت سرمایه های اصلی جوامع انقلابی هستند، هم قدرت فراوان برای شرکت در سازندگی دارند و هم بلحاظ عدم وابستگیهای شرکت آلود، امکان کسب خود آگاهی را بیشتر از سایرین خواهند داشت. زمینه مناسب عاطفی که پایه اصلی ایجاد خودآگاهی و تحریک استعدادهای همه جانبه افراد است در جوانان بحدی بالاست که کار ساختن انسان نویینی که متناسب با نیازهای انقلاب باشد را بسیار ساده میکند. بنابراین برنامه ریزی برای آموزش جوانان نسبتاً ساده و سهل و بدین ترتیب درحالیکه آموزش سلطه طلبانه قدرت خلافت را از بین برده و فرد را به انفعال و اطاعت یک جانبه سوق میدهد، آموزشی که هدف آن خودآگاهی و رهایی انسان است در صدد آنستکه توسط خود توده ها و بدست آنان از واقعیات برده برداشته و واقعیات را مستقیماً در دسترس آنان قرار دهد. پس از ایجاد خود آگاهی است که توده ها احساس میکنند که به مبارزه خوانده شده اند و ضرورت حضور در صحنه و برخورد با تضادها را بعنوان یک وسیله تکامل و انزاش " خود آگاهی" درک میکنند. این

اکتون در برابر خواست عمومی مردم و نیروهای متعددی به انقلاب و مکتب، مقاومت های جدی از طرف لیبرالها و سازشکاران و مرجعین و فرصت طلبان دیده میشود که رهنمودهای انقلابی امام را از محتوا خالی می کنند و در حفظ و گسترش قدرت بهره وسیله و شیوه غیرمکتبی متوسل میشوند ضعف تشکیلاتی و پراکندگی نیروهای انقلابی و مکتبی و همه کسانی که خود را در انقلاب و امام می یابند، به جریانات غیر مکتبی فوق فرصت میدهند تا قدرت را قبضه کنند و در نتیجه انقلاب را دفن و کشور را در نظام وابسته تثبیت کنند. قشریون باید بدانند که اگر فکر می کنند میتوانند کنوری مستقل و اسلامی برپایه پیش خود پدید آرند، در اشتباه اند. زیرا چون از تغییر محتوا و اساس سیستم خودداری می کنند، وابستگی مجدد این کشور به امپریالیسم امری قطعی است. سرمایه داری ملی یک خیال خام است. در شرایط جهانی فعلی سرمایه داری ملی بسرعت به وابسته تبدیل میشود. در چنان شرایطی و نیز با توجه به سیاستهای خنک و خشن در اداره کشور، خواه ناخواه کار مجدداً بدست لیبرالیسم سازشکار می افتد.

در درجه اول نظر روحانیون متعددی را نسبت به مسئولیت تاریخی شان جلب می کنیم. اگر در برابر جریانات غیرمکتبی حاکم برخورد قاطع نکنند و بیش از آنچه تاکنون بطور پراکنده و جزئی انجام داده اند، مرز اسلام اصل و خط انقلاب را از اسلام صفوی و سازشکاری جدا نکنند، باید بکلی یکبار دیگر شاهد افول مجدد انقلاب و اعتبار مکتب و یاس و پراکندگی توده ها باشیم و امید مستضعفان جهان را مبدل بیاس ببینیم.

دوم - یکبار دیگر بر ضرورت فعالتر شدن نیروهای مسلمان خط انقلاب و تلاش جهت حضور عینی تر در صحنه عمل اجتماعي و قبول مسئولیتهای انقلابی تأکید کرده، اتحاد و همبستگی بیشتر این نیروها را برپایه چند اصل اساسی مکتبی و هدفهای مرحله ای انقلاب برای آدای مسئولیت فوق، لازم می شماریم.

سوم - نمایندگان مجلس در این لحظات حساس وظیفهای مهم برعهده دارند. موضع گیریهای عکس العملی و پیوستن به این جناح یا آن جناح راه حل اصلی بحران انقلاب نیست. برخلاف تصور رئیس جمهور کشمکش در جناح کشمکش علی و معاویه نیست که هر کس کلیه مواضع کلی دو طرف (حزب - رئیس جمهور) را تأیید نکند، نقش آئیموسی را بازی کرده است. ما قبلاً نوشیمیم که این بیشتر به نزاع اهل سقیفه شبیه است و علی ضرورتی نمی دید که از یکی از دو طرف نزاع (مهاجر) - انصار) جانب یکی را بگیرد. و امروز هم امام این نظر را تأیید می کنند و نزاع آیندو

انجام خواهد شد. از طرف دیگر، از آنجا که حضور دانشی و برخورد همه جانبه جوانان با مسائل باید همیشگی باشد، ضرورت استمرار آموزش بعنوان یک جریان دانشی و متصل مطرح میگردد. سخن معروف پیامبر یعنی اطلبوا العلم من المهد الی اللحد، نشان میدهد که آموختن در فاصله معینی از سنین نو جوانی متمرکز نشده و در کل زندگی و حیات باید استمرار یابد.

با این نگرش این مسئله مطرح میشود که با توجه به زمینه ذهنی و فکری افراد، ضمن قبول آزادی تفکرواندیشه چگونه جامعه همگونی بسازیم تا اندیشه ها نه تنها در یکسو سیر کند، بلکه هماهنگی جامعه انقلابی امکان پذیر گردد. برای پاسخگویی به این سؤال با توجه به اینکه نفس خود - آگاهی یا معنی آزادی آنچنان عجین است که جدائی آنها امکان پذیر نیست، ضروری است که درکی درست و اصولی از آزادی داشته و ببینیم آزادی اندیشه چگونه امکان پذیر است و وجوه ممیزه آن با بی بند و باری غربی چیست و چگونه میتوان قاطعیت انقلابی را با آزادی فکری و ذهنی هماهنگ و همساز کرد. برای بی بردن به پاسخ این سؤال باید شیوه های آموزشی پیامبر و ائمه و روش برخورد آنان را با جامعه مورد بررسی و تفحص قرار داد و از شیوه های آنان مانی لازم را برای ساختن یک جریان آموزشی (و نه نظام آموزشی) در جامعه استخراج نمود.

ادامه دارد

را مثل نزاع اصحاب سقیفه ناشی از هوی پرستی و کشمکش بر سر میراث پدر توصیف مینمایند. اگر کسی موضع حزب را در حمایت و دفاع از یک جریان فرصت طلبی که موبذیانه و بااستفاده از جنر حمایت حزب اصالت نهضت ملی و رهبری دکتر مصدق را نفی واز عناصر وابسته و نفاق افکنی چون بقائی و قائل افشار طوس و عامل کودتای ۲۸ مرداد،... اعاده حیثیت نماید، رد میکند الزامی ندارد تا تمایل غیرمنطقی رئیس جمهور را در هماهنگ شدن مجلس و دولت با شخص وی تأیید کند و بالعکس اگر کسی سیاست خارجی رئیس جمهور را سیاست وی را در برابر بحران اقتصادی و مساله بیگاری و تورم انتقاد و رد می کند، اجباری ندارد مواضع نادرست حزب را در مواردی دیگر تأیید نماید. با اگر یک موضع گیری و سیاستی را انکار می کند، یک ادعای منطقی را از وی نمی ذیرد. اشخاص دارای مواضع درست و نادرست، اقدامات منطقی و غیرمنطقی هر دو هستند. وقتی درباره اشخاص صحبت می کنیم، بی آنکه آنان را مطلق نمائیم، نباید با دیدن ضعف و اشتباه، اقدامات درست و نظریات منطقی آنانرا ندیده بگیریم. یا بعکس با تکیه بر یک موضع درست، ضعفها را نبینیم. جریانات اجتماعي و فکری وضع دیگری دارند. ارتجاع در برابر انقلاب، همه ابعادش منفی است، کفر در برابر اسلام مردود است، سازشکاری در برابر انقلاب محکوم است، شخصیتها باید آماده پذیرش انتقاد باشند، چنانکه امام تأکید کردند، دیگری بجای خودمحوری مکتب را محور کنند و بجای هوای نفس از حق پیروی کنند، توافق آسان است. دوطبق و محور دیگر هر یک، برجریاناتی آنکه کرده اند که فرصت طلبی، در هر دو و بیش لیبرالی در یکطرف و قشری و ارتجاعی در طرف دیگر نقش غالب دارد. در این میان عناصر و جریانات اصیل باید مستقل از جریانات غیرمکتبی و هدفهای انقلاب پافشاری کنند. مثلاً تمایل مجلس به ایستادگی در برابر امریکا و قضیه گروگانها درست است. نمایندگان متعهد مجلس باید با ایستادگی در برابر هر فشار و تحمیل غیرمکتبی راه اصل انقلاب و مکتب را پیش گیرند و در برابر نظریات غیراصولی از هر طرف که باشد، تسلیم نشوند.

راه خروج از بن بست و بحران سیاسی انقلاب، راه تداوم حرکت انقلابی از مسیر مکتب اصیل و انقلابی اسلام و اتحاد نیروهای مؤمن به اسلام و انقلاب می گذرد.

والسلام

# ریشه های بحران و انحرافات در

اول - علیرغم تسلط این جریانات غیرانقلابی و غیرمکتبی بر دستگاههای دولتی و مراکز قدرت، شعور و شور انقلابی مردم و نیروهای جوان و متعهد و مسلمان از بین نرفته و امیدوار به آینده سعی می کنند انقلاب را در مسیر اصلی خود به پیش ببرند، مقاومت خستگی ناپذیر جوانان مسلمان در برابر سازشکاری با امریکا و ادامه حرکت ضد امپریالیستی در داخل و خارج از کشور، اصرار افراد آگاه و مومن سپاه پاسداران و حفظ استقلال و مکتبی بودن سپاه و اینکه باید بازوی مسلح انقلاب باشد وعلیه هر جریان غیرمکتبی بکار رود و اینکه مبارزه ضد امپریالیستی، ضدفقودالی، ضد سرمایه داری و مبارزه علیه هر جریان ضد انقلابی در حوزه مسئولیت سپاه است، تصویب و اجرای طرح اصلاح ارضی و تقسیم اراضی که از حمایت روحانیون متعهد برخوردار گردید، اصرار بر حفظ اصل شوراها و تلاش جوانان مسلمان و کارگران در تشکیل شوراها و اداره امور کارگاهها، تلاش افراد سپاه و جهاد و ماموران اصلاحات ارضی در تشکیل ضدانقلابیون در دادگاهها، دستگیری مجدد بسیاری ماموران ساواک و همکاری رژیم، افشای اسامی ساواکیها، تصمیم دادگاههای انقلاب به قطع حقوق فراریان و بازنشستگان مقیم خارج از کشور و سرکوبی بخشی فئودالها توسط سپاه پاسداران، تأیید اکثریت نمایندگان مجلس بر محاکمه گروگانها و عدم آشتی و سازش با امریکا و

وقتی مردم می بینند سرمایه داران و محترکان و تجار رباخوار و بسیاری از این نوع هنوز هم مورد حمایت اند، نسبت به انقلاب و اسلام بدبین می شوند. رسیدگی به حیف و میل در میلیاردها اموال مصادره شده، بجائی نمی رسد، شوراها اسلامي با مخالفتها روبرو می شوند، سرمایه داری تثبیت و بعضی بر مالکیت نامحدود فتوی میدهند و در همانحال نظام تفتیش عقاید با همان روشهای معمول گذشته در استخدام و انتخاب افراد بکار می رود و اگر کسی حتی در یک مورد (مثلاً) نظر در باره یک کتاب، یک شخصیت، یک موضوع (با صاحبان انحصاری مکتب، هماهنگی نشان نداد، هرچند در همه امور مسلمان است، حذف و طرد و از خدمت محروم می شود، چه کسی مسئول حاکمیت یک چنین شیوه ضداسلامی و خطرناک برجامعه است. در کدام دوره و در کدام دیدگاه میسر است که همه مسلمانان درباره مسائل فلسفی و عقیدتی صددرصد یکسان ببینند؟ چگونه میسر است که همه مسلمانان درباره یک شخص، یک کتاب، یک مساله نظری کالا" واحد و مشابه داشته باشند؟ چرا شما برداشتهای خود را در کلیه امور گلی و جزئی، اصول و فروع، حتی آنچه به سلیقه شخصی افراد مربوط است، معیار قرار داده، هرکس با همه آن جزئیات هماهنگ نبود، از کار و خدمت محروم یا مشمول تصفیه می کنید.

در اینجا توجه به دو نکته ضروری است:

## با خلع ید از سرمایه داری وابسته، امپریالیسم آمریکا را بزانو درآوریم







بقیه از صفحه ۱

# مقوله‌های اساسی مکتب

بخش مهمی از آگاهی‌های خود را درباره خود و جهان در رابطه انسان و موقعیت وی در هستی و مسئولیتها، هدفها و ارزشها و حوادث آینده و رابطه عمل با سرنوشت، معیارهای اخلاقی و نظایر آن از این طریق بدست آورده است.

از نخستین ایام و هنگامی که بشر در مراحل بسیار ابتدایی از فرهنگ و تمدن می‌زیست و شناخت بشر از مرحله حسی و سطحی چندان فراتر نمی‌رفت، ابتدا آدم برگزیده‌ای از میان انسانهای نخستین و سپس سایر انبیا را زندگی کردن و معنا و هدف آن و روابط فیما بین انسانها و مناسبات اجتماعی و رفتار و اخلاقیات را منطبق با واقعیت‌های مستقل از ذهن، یعنی

**تنها حقیقتی که مستقیماً از واقعیت واحد و مطلق اخذ شده است و صد در صد حقیقتی است، میتواند ملاک اصیل و قابل اطمینان برای شناخت و ارزیابی درجه حقیقتی بودن معرفت قرار گیرد.**

سنت‌های عام حاکم بر جهان و موقعیت حقیقی انسان در هستی از خدا دریافت کرده و بمردم می‌آموزند. اگرچه ذهن ابتدایی بشر از یکسو و اسیر بودن در زنجیر جبرهای طبیعی و اجتماعی نمی‌گذشت مدت درازی بر اساس آن آموزشها زندگی کنند و لذا پس از چندی ضرورت بعثت جدیدی پیش می‌آید و آموزشها تجدید می‌شد. وحی به عنوان منبعی جهت بارور کردن معرفت انسان ادامه یافت تا وقتی که انسان به آندرجه از بلوغ فکری و رشد تمدن و فرهنگ و بخصوص آزادی از جبرها رسید که بتواند آن آموزشهای اساسی را نگاهدارد و برای همیشه راهنمای عمل قرار دهد و محتوای وحی، کامل گردید، بطوریکه هیچ حقیقت اساسی ناکفته نماند. اگرچه تطبیق کامل زندگی فردی و اجتماعی با آن سنتها و قوانین بلافاصله میسر نبوده و در این زمینه انسان راه درازی را پیموده و باز هم خواهد پیمود. راهی که به وحدت و هماهنگی کامل رفتار و حیات اجتماعی با قوانین و سنت‌های حقیقی جهان هستی منجر خواهد شد و اعمال و تجربیات او را یکسره از نوع عمل صالح خواهد کرد.

## ملاک حقیقی بودن شناخت

گفته شد که درجه حقیقتی بودن به درجه هماهنگی آن واقعیتها بستگی دارد. بعضی ملاک درستی شناخت را عمل می‌دانند. اما این اندیشه گمراهکننده است کدام عمل؟ و تازه عمل را چگونه باید ارزیابی کرد. بعضی مکتب مفید بودن را ملاک درستی معرفت دانستند و بعضی توافق بین شناخت و معرفت‌تازه و معرفت‌های مدلل پیشین را ملاک درستی و نادرستی معرفت می‌گیرند.

مطابقت با واقعیت خارج یا امر واقع به عنوان درستترین ملاک شناخت مطرح است اما باید دید وقتی می‌خواهیم یک نظریه را با واقعیت انطباق داده، هماهنگی یا هماهنگی آنرا بررسی کنیم، آن امر واقع را چگونه می‌شناسیم، آیا شناخت ما از آن واقعیت خود تا چه اندازه حقیقی و تا چه حد ذهنی است!

اگر بگوئید ما واقعیت را طی تجربیات مکرر درک می‌کنیم و آنرا ملاک ارزیابی معرفت‌ها و نظریات تازه قرار می‌دهیم، اولاً با توجه به نسبی بودن شناخت، آنچه بطور تجربیات مکرر بدست آمده نمی‌تواند بطور مطلق معیار قرار گیرد و تازه این ارزیابی عملاً بین دو معرفت ذهنی بعمل آمده است. زیرا نظریات پیشین خودبرداشت‌های

منفرد است، در این زمینه هم فقط آثار و عوارض و عملکرد و خواص پدیده مورد مطالعه قرار می‌گیرد ولی درباره چگونگی و اصل پیدایش و ماهیت و موقعیت آن در کل هستی چیزی بدست نمی‌آوریم. معرفت‌های علمی (به معنای اصطلاح) در این قلمرو قرار دارند و دانشمندان در این محدوده مطالعه و بررسی می‌کنند. این بررسیها و تحقیقات به ما نشان می‌دهند که مثلاً قلب چگونه کار می‌کند، چه عواملی در سلامت یا نار آن مؤثرند، هر دقیقه چند بار ضربان دارد و هر بار چه مقدار خون در رگها بگردش درمی‌آورد (مثلاً هزاران و میلیونها پدیده و رابطه از این قبیل توسط علم کشف شده و یا می‌شود).

از این طریق ما به خواص و آثار هر پدیده و طرز عمل آن پی می‌بریم، این آگاهیها بما امکان می‌دهند که یادگاریهای خود بر طبق همان روابط و قواعدی که بدست آورده‌ایم تغییرات دلخواه بوجود آوریم، قلب را با تزریق ماده‌ای در خون تقویت کنیم، یا عکس از حرکت بیندازیم. ایندسته تحقیقات عملی فقط بما یاد می‌دهند که چگونه از مواد و عناصر طبیعی استفاده کنیم و نیروهای طبیعی را بکار گیریم و در عمل و تحولات آن دخالت بعمل آوریم، اما چیزی درباره درستی یا نادرستی عملی که انجام می‌دهیم و تاثیر هر عمل در کل هستی در اختیار نمی‌گذارند، در حالیکه ما در زندگی بهر دو نوع معرفت احتیاج داریم، هم خواص آثار هیدروژن و طرز آزاد کردن انرژی آنرا می‌خواهیم بدانیم، و هم به چگونگی

بقیه از صفحه ۱

# حماسه پایداری دلاوران فلسطین در تل زعتر

کاربرد و نحوه بهره‌برداری از آن در جهت تخریب یا سازندگی، گشتار آدها یا نجات انسانها باید پی ببریم. ما ابزار و مواد و کارگرد آنها را می‌شناسیم در همانحال می‌خواهیم جهت استفاده از آنها را هم بدانیم. علوم تجربی در این زمینه کمک نمی‌کنند، علتش هم اینست که در قلمرو کل هستی و موقعیت هر عنصر و پدیده در جهان مطالعه نمی‌کنند، زیرا این حقایق از راه و شیوه‌ای که علم تجربی اتخاذ کرده است بدست نمی‌آیند، قوانین عام حرکت جهان را نمی‌شود در آزمایشگاه مورد بررسی قرار داد.

علم تجربی درحال حاضر نمی‌تواند معلوماتی درباره حوادث بعد از مرگ بما بدهد، از کیفیت تبدیل ماده به انرژیهای معنوی پی خبر است، زیرا این ارزشها را نمی‌شود در لوله آزمایش گذاشت و با مواد مختلف شیمیایی امتحان کرد و یا زیر دوربین موثکافی کرد. ایثار کیفیت است که قابل تجربه آزمایشگاهی نیست و در

رشد و بقای انسان و جنبان انسان وابسته به آنست که بر طبق قواعد و قوانین حاکم بر رشد و تکامل عمل کند و تغییر و تحول یابد. انحراف از آن قواعد موجب فساد، بیماری، انحطاط و سرانجام مرگ و نابودیش می‌شود.

رشد و بقای انسان و جامعه انسانی هم وابسته به آنست که بر طبق قواعد و قوانین

**مؤمن شخصی است که بدلیل ضمیر پاک و نالوده و نداشتن خصلتهای باز دارنده و در نتیجه داشتن قلب روشن و تیزبین، با درک واقعیت واحد و مطلق جهان، خود را بدان تسلیم می‌کند و تصمیم می‌گیرد که هماهنگ با آن زندگی کند.**

حاکم بر جریان رشد و تکامل آن عمل کند و تغییر و تحول یابد. انحراف از آن مسیر و قوانین سبب فشار و ظلم و نابودی انسان و جامعه سرانجام انحطاط و نابودی انسان و جامعه در صفحه ۶

استخاب بین دو شیوه خودپرستی یا ایثار، علم تجربی فعلی کمک و راهنمایی نمیکند. شناخت کلی‌تری لازم است، هم چنانکه در کار روی پدیده‌ها ناچار از شناخت روابط

لبنانی های محروم جنوب لبنان بواسطه روحه مبارزو مقاوم نیروهای مقاومت فلسطینی از یکسو و تقو محرومیتی که از سوی دیگر هر دو با آن دست بگریبان هستند به این نیروها علاقه بسیار داشتند تا بدانجاکه در بسیاری از دهات جوانان بواسطه پشتبانی از نیروهای فلسطینی از سوی دولت لبنان دستگیر و بازداشت میشوند. چریک فلسطینی در قلب و روح این محرومان جای گرفته است، زیرا آنها را یارو امیدشان میدانند، با او میتوانند به فرهنگ انقلابی، داستان بادیاری و حماسه مقاومت، آشنا شوند، میتوانند امید به پیروزی و رهایی از محرومیت و ظلم و تبعیض طبقاتی را در کنارش حس کنند، آرزوی قیام خود را که با اسلحه‌های بر دوش بر علیه هر چه ظالم است بجنگند و مظلوم واقع نگردند عملی می‌بینند، آری چریک فلسطینی چنین فرهنگی را روح میدهد، فرهنگ، نسل، فرهنگ جیاد و شهادت، و این برای سرمایه داران، ارتجاع منطقه امپریالیسم و صهیونیسم معانی بسیاری در بر دارد، معنی نفی حاکمیت خود را، و همچنین واسطه است که لبنان را چریک فلسطینی نمی سازند و تا قدرت دارند بر علیه او مبارزه میکنند و چریک فلسطینی هم.

از سال ۱۹۶۸ بعد دولت لبنان به بیانه آتک عملیات مقاومت فلسطین در جنوب لبنان، باعث بخطر انداختن بیطرفی لبنان و تهدید امنیت داخلی آن میگردد، درگیریهای شدید با نیروهای مقاومت فلسطین پیدا کرد، هم چنین فتح طی بیامی برای ملت لبنان دست به‌افتاشی عناصر مشکوکی در ارتش لبنان زد که می‌کوشند ارتش فلسطین را اشغالگر، تجاوزگر و خارجی نشان دهند و بدین طریق باعث نارضایتی ساکنین جنوب لبنان از حضور رزمندگان فلسطینی در آن منطقه گردند. زود خوردهای میان نیروهای دولتی لبنان و چریکهای فلسطینی هر زمان شدیدتر و شگاف ایندو عمیق تر میگشت تا سرانجام در سال ۱۹۶۹ با وساطت دولت مصر (زمان ناصر) نمایندگان مصری و لبنانی و فلسطینی به توافقنامه‌ای دست یافتند که بنام توافقنامه قاهره مشهور گشت. و بر طبق آن - اولاً حق گاز و اقامت و تغییر محل برای فلسطینیهای داخل لبنان شناخته شد تا آنجا - حضور واحدهای مقاومت در داخل پایگاههای موجود در لبنان رسماً آزاد شد تا آنجا - لزوم ایجاد تسهیلات لازم برای عبور قدامتانبان فلسطینی و تعیین مواضع عبور در نواحی مرزی برای آنها، رابعاً - اجازه شرکت در انقلاب فلسطین به فلسطینیهای مقیم لبنان داده شد.

باید دانست از همان بدو ورود فلسطینیها به لبنان در سال ۱۹۷۱ و پس از فاجعه اردن، ارتش مقاومت که تنها با ارتش لبنان بلکه با اسرائیل نیز درگیری شدید داشت، بدین واسطه که اسرائیل در نظر

استعمارگران را بدنبال. اما رنج فلسطینی مگر می‌تواند سکوت بیارند، که عصیان میسازد، او بی تفاوت نیست، نه، جوینهای خون باکش ثابت کرده، رنجها و آوارگیها و دردهایی که کشیده است و در مقابل، حسرت جشیدن لذت یک آخ را بدل دشمن نهاده گواهی میدهد. او آواره جنگجوست، خانه ندارد، هر روز گلوله‌ها و بمب‌ها بر سرش ریخته می‌شود، اما از عقیده‌اش، شرفش، نمی‌گذارد و حماسه‌ها آفریده است، در کرامه‌ها و دربسیاسی‌ها از کفر قاسم‌ها و بل زعترها، آری او حماسه آفرین است.

در زیر سروری بر فاجعه تل زعتر داریم، بینیم چگونه خلقی برای رسیدن به عقیده‌اش، مورد تهاجم امپریالیسم و صهیونیسم و مزدوران آن ارتجاع منطقه واقع میگردد و اگر خود پیروز نمیکردد، دشمن را رسوا میکند.

پس از سال ۱۹۶۸، و اشغال فلسطین و تقسیم آن، حدود ۱۴۰ هزار فلسطینی بعموان مهاجده به جنوب لبنان وارد شدند، عده‌ای بواسطه مناسب بودن اوضاع مادشاه به سایر نقاط لبنان کوچ کرده و بنده در اردوگاههایی مستقر در همان منطقه جای گرفتند تا سال ۱۹۶۸ این عده تنها با همان عنوان پناهنده و آواره در اردوگاهها بسر میبردند، اما از این سال بعد گروهی از کودکان از نیروهای مقاومت فلسطین باهدف ایجاد پایگاههایی، به لبنان وارد گشتند. از سوی دیگر بواسطه برخورد شدید نیروهای اردن و فلسطینی در قورهه - ژوئن - سپتامبر ۱۹۷۰ سرانجام ژوئن ۱۹۷۱ ارتش اردن دست به کشتاری وحشیانه از این جانبازان دلبر زده و بیست هزار شهید و سیصد میلیون دلار خسارت برای نیروهای مقاومت فلسطین بجای گذارد. بر اثر این ضربه فلسطینی‌ها بکلی از اردن تارو مار شدند و در نتیجه خط تهاجمی اردن - اسرائیل نیز دیگر شاهد دلآوریهای شجاعانه فدائیان فلسطینی نبود.

نیروهای باقیمانده فلسطینی ناچاراً به سوریه و لبنان وارد شدند، در این بین سوریه هر گاه احساس میکرد که انجام عملیات ارتش مقاومت بر ضد اسرائیل در خدمت منافع ملی این کشور است، اجازه انجام عملیات و در موافقی که احتمال حملات انتقامی اسرائیل او را تهدید می‌نماید، از فعالیتهای مقاومت جلوگیری نمود، این روحیه تا بدناجا کشیده بود، که حتی در طول نبرد اردن و فلسطین عملاً، حافظ اسد، (وزیر دفاع وقت) از فرستادن نیرو برای حمایت از فلسطینی‌ها دریغ ورزید.

ورود پناهندگان فلسطینی بخاک لبنان از اردن تا سال ۱۹۷۱ ادامه یافت و در، الف - خطوط آتش بسراشیل در جنوب و ب - در سطح عمومی اردوگاههای پناهندگان فلسطینی و در سراسر لبنان سکنی گزیدند.

# سالروز شهادت مجاهد شهید فاطمه امینی

الدين بيلتون رسالات الله و يخشونه ولا يخشون احدا الا الله و كفى باللله حسيبا (احزاب ۳۹)

کاروان شهیدان تاریخ از ابتدا تا کنون همواره همراهان پاکبازی داشته است که با انتخاب آگاهانه خود طریق صعب و دشوار تکامل را برگزیدند و در این راه هرسختی و شکنجهای را با تمام وجود پذیرا شده‌اند. فاطمه امینی یکی از مبارزاتی بود که جهت رسیدن به ایده‌آلش قدم در این راه نهاد. او در شهر مشهد، در محیطی آکنده از فقر و محرومیت چشم بجهان گشود. فاطمه ففرو بیچارگی انسانها را در محیط خود می‌دید، اما به این بسنده نکرد و بدنبال جراتی وضع حاکم به جستجو و تلاش پرداخت و آنگاه که جواب سؤال خود را یافت، مجاهدش را برای تغییر نظام و روابط ظالمانه حاکم آغاز کرد. او زندگی مبارزاتی خود را از سال ۴۱ یعنی زمانی که دانشجوی دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد بود، شروع نمود. فاطمه در آن ایام با دوستان همفکر خود در جلسات مذهبی زیادی شرکت میکرد. کار جمعی و تماس دائمی وی با جوانان پرشور و مخلص، همچنین محیط دانشگاه و برخورد های جدید، در رشد و گسترده عمیق تر شدن دید و بینش اجتماعی و سیاسی، کمک زیادی به او کرد. فاطمه که خود از میان مردم محروم و فقیر برخاسته و مدت زیادی از دوران تحصیل را در محلات فقیر نشین مشهد و در کنار فرزندان خلق زحمتکش سپری کرده بود، پس از فارغ التحصیل شدن از دانشگاه - در سال ۴۳ - در دبیر-

# شرکت جنبش مسلمانان مبارز در راه پیمایی روز قدس

انقلاب مسلحانه خلق قهرمان فلسطین نشانه ماهیت ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی انقلاب اسلامی ایران است. روز قدس روز وحدت و همبستگی خلفهای جهان و منطقه با انقلاب فلسطین و روز تجلی اراده توده‌های مردم برای بر بایی جهانی آزاد و مستقل از سلطه و سطره امپریالیسم و جفاخوااران و سرمایه داران است. ملت ایران و انقلاب ایران خود را متعهد می بیند که از نهضت فلسطین در مقابل صهیونیسم و امپریالیسم جهانی بطور همه جانبه حمایت مادی و معنوی نماید. مسامقات مسئول را موظف میدانیم که اراده ملت ایران را در حمایت همه جانبه از خلق مسلمان فلسطین عملا ثابت و ابراز کنند. جنبش مسلمانان مبارز در حرکت اصل مردم در روز قدس شرکت کرده این حرکت را مقدمه‌ای بر وحدت و همبستگی هر چه عمیقتر و گسترده تر در تمامی زمینه ها با انقلاب فلسطین و برای رهایی فلسطین اشغال شده و بیت المقدس عزیز بلقی می نماید.

جنبش مسلمانان مبارز  
۵۹/۵/۱۳

### معرفی چند کتاب

### محارف شمارا باور کنیم یادم خروس را

اخرا " چند کتاب از طرف شورای انتشارات و تبلیغات و همچنین هواداران حبس مسلمانان مبارز منتشر گردیده است که جهت استفاده برادران و خواهران به معرفی آنها میرویم:

- ۱- انقلاب در انقلاب با محور نظام امپریالیسم (سرمقاله های امت ۲۱ - ۴۰)
- ۲- سیاست و مکتب ( سخنرانی دکتر بیمان)
- ۳- خودآگاهی - انتقاد و انتقاد از خود (دانشجویان هوادار جنبش مسلمانان مبارز اصفهان)
- ۴- تحلیل مسائل سیاسی از دیدگاه مکتب (سخنرانی برادر بیمان)
- ۵- شرایط پیروزی انقلاب ( سخنرانی دکتر بیمان)

آقای بوبری ریاست بانک مرکزی اینجانب اصغر صاحب زمانی کارگر حلب سازی در تاریخ ۵۹/۳/۱۸ جهت دریافت وامی به مبلغ سی هزار تومان به بانک ملی شهرستان سیرجان مراجعه نمودم اول برای دریافت مبلغ وام فوق ۶/۷۷۸ ریال بابت ثبت محضر پرداختم ثانیاً دو نوع بهره ۴٪ و ۶٪ (در مجموع ۱۰٪) به آن تعلق گرفت که در ماده ۳ فتوایی برگ دفترخانه اسرالی مندرج است. باز پرداخت وام سی هزار تومان در ۴۸ قسط از ۳۴۴/۸۰۰ ریال برابر با ۷/۶۰۰ ریال بپردازم ۶۴/۸۰۰ ریال میشود یعنی ۶۴/۸۰۰ ریال بهره و ۶/۷۷۸ ریال خرج ثبت دفتر خانه که در مجموع ۷۱/۵۷۸ ریال علاوه بر سی هزار تومان بعنوان کارمزد! بایستی بپردازم. لاید به روش رباخواری سنی آگاهی دارید که آنها کلمه کارمزد را بکار نمی بردند بلکه مبلغی بول با یک حبه قند به طرف میدادند به دو برابر آنگاه میگفتند انشاء الله بیع است، شما هم فرمائید کارمزد! است، ما شما را به پیروی از رهنمودهای فقیه عالیقدر آیت الله منتظری دعوت میکنیم.

### تقاضای کمک مالی

### حادثه بمب گذاری در همدان

هفته نامه امت و جنبش مسلمانان مبارز با دشواریهای فوری و جدی مالی مواجه است، لذا دست باری بسوی برادران و خواهران مبارز و علاقمندان این خط مکتبی دراز می‌کند و تقاضا دارد علاوه بر پرداخت بدهیها، کمکهای مالی خود را به حساب شماره ۴۰۰ بانک صادرات شعبه شماره ۲۸۶۳ خیابان استاد مطهری چهارراه مبارزان واریز کرده، و رسید آنرا به نشانی خیابان بهار شمالی- نش نامجو ارسال کنید.

بار دیگر ضد انقلاب حادثه آفریدو چندین زن و کودک و جوان معصوم را به خاک و خون غلطاند. شیطان بزرگ آنی از نوطنه غافل نیست، چه اگر غافل شود موجودیت خود رانفی کرده است. ساده اندیشی است که خیالکنیم میتوانیم با وجود امپریالیزم امریکا زندگی راحتی را داشته باشیم که راحتی در گرو مبارزه با شیطان است.

### جنبش مسلمانان مبارز

شماره ۶۹

امروزه جنبش مسلمانان مبارز در گریز جنگهای داخلی و پرداختن به تضادهای فرعی و درونی کند. و میخواهد از مملکت ما لبنان دیگری بسازد. اما اکنون که با اوج گرفتن مبارزه بی امان علیه امپریالیزم امریکا به رهبری سارز ناپذیر امام خمینی میروند تا با کمک و یاری خدا و همت خلق راه تازه‌ای برای مبارزه با شیطان بزرگ فرا راه توده های مستضعف جهان گشوده شود. هر روز شاهد نوطنه های جدیدی از این دشمن جنایتکار هستیم که حادثه بمب گذاری در مسجد جامع همدان و نیز در بهار نمونه کوچکی از آنهاست.

### خبر بیان بهار شمالی پیش عیدبان نامجو

۸۴۴۹۸۴

امروزه جنبش مسلمانان مبارز در گریز جنگهای داخلی و پرداختن به تضادهای فرعی و درونی کند. و میخواهد از مملکت ما لبنان دیگری بسازد. اما اکنون که با اوج گرفتن مبارزه بی امان علیه امپریالیزم امریکا به رهبری سارز ناپذیر امام خمینی میروند تا با کمک و یاری خدا و همت خلق راه تازه‌ای برای مبارزه با شیطان بزرگ فرا راه توده های مستضعف جهان گشوده شود. هر روز شاهد نوطنه های جدیدی از این دشمن جنایتکار هستیم که حادثه بمب گذاری در مسجد جامع همدان و نیز در بهار نمونه کوچکی از آنهاست.

### خبرگزاری فرانسه

فرماندار نظامی اسرائیلی در ساحل غربی رود اردن دستور داد ۵ مقام با نفوذ فلسطینی بدلیل امنیتی در خانه های خود بازداشت شوند. بگفته این منبع تمام فلسطینی های دستگیر شده اعضای یک شورای ارشاد ملی فلسطینی هستند.

### فاشیسم در مقابل حکم تاریخ چه خواهد کرد؟

فاشیسم پدیده‌ای است همیشه حاضر در تاریخ و همیشه هم محکوم به نابودی و زوال. فاشیسم چون هر پدیده ضد تکاملی دیگری اسباب میرندگی خود را، خود فراهم میکند، اما از این حکم تاریخ غافل است و چشم بسته به حرکت محکوم به مرگش ادامه میدهد، ولی نهایت مسیر به ظاهر صعودیش، سقوط است.

### امپریالیسم امریکا، صهیونیسم اسرائیل و تمامی مستبدان تاریخ و دریندکنندگان قاسدک آزادی باید بدانند که قد علم کردن در برابر اراده خلقهای تشنه رهایی، کاری بس عبث و بیبوده و اساساً ناممکن است زیرا گام های استوار و سدید خلقها برای لمس هدف، فقط و فقط قلمی باید که از روی سینه ضد خلق عبور کند، حتی اگر پاهایش را بشکنند و وسیله حرکتش را از او بگیرند.

### فلسطین قهرمان، اکنون با نهایت مشقاتی که یک ملت در طول مبارزه ممکن است با آن برخورد نماید، برخورد کرده و آنرا پشت سرگذاشته است. اسارت، شکنجه، قتل عام... دیگر برای فلسطین مسئلهای نیست، فلسطینی که در گداخته - ترین کوره مبارزه آنهم نه در کوتاه مدت که در سالیانی دراز آبدیده شده است. آیا دیگر دلیلی برای مقاومت رذیلتانه صهیونیسم یافت میشود. فلسفه مبارزه و پیکار در یک کلام و با بانگی گوش خراش، قاطع و مطمئن میگوید: نه.

### آنچه در پیرون از مرزها رخ میدهد

زوهانسبورگ ۷۰۰۰ کارگر کارخانه ساسول در ترانسوال شرقی پس از درگیری های شبانه با پلیس دست از کار کشیدند. بدنبال این ناآرامی ها پلیس محافظت از این کارخانه را بعهد گرفت. پس از هجوم عده زیادی از کارگران به پلیس امنیتی کارخانه، دو کارگر دستگیر شدند. این تظاهرات بدنبال کشته شدن یک کارگر سیاهپوست توسط پلیس امنیتی کارخانه در ماه گذشته، انجام گرفت.

### خبرگزاری فرانسه

فرماندار نظامی اسرائیلی در ساحل غربی رود اردن دستور داد ۵ مقام با نفوذ فلسطینی بدلیل امنیتی در خانه های خود بازداشت شوند. بگفته این منبع تمام فلسطینی های دستگیر شده اعضای یک شورای ارشاد ملی فلسطینی هستند.

### فاشیسم در مقابل حکم تاریخ چه خواهد کرد؟

فاشیسم پدیده‌ای است همیشه حاضر در تاریخ و همیشه هم محکوم به نابودی و زوال. فاشیسم چون هر پدیده ضد تکاملی دیگری اسباب میرندگی خود را، خود فراهم میکند، اما از این حکم تاریخ غافل است و چشم بسته به حرکت محکوم به مرگش ادامه میدهد، ولی نهایت مسیر به ظاهر صعودیش، سقوط است.

### امپریالیسم امریکا، صهیونیسم اسرائیل و تمامی مستبدان تاریخ و دریندکنندگان قاسدک آزادی باید بدانند که قد علم کردن در برابر اراده خلقهای تشنه رهایی، کاری بس عبث و بیبوده و اساساً ناممکن است زیرا گام های استوار و سدید خلقها برای لمس هدف، فقط و فقط قلمی باید که از روی سینه ضد خلق عبور کند، حتی اگر پاهایش را بشکنند و وسیله حرکتش را از او بگیرند.

### فلسطین قهرمان، اکنون با نهایت مشقاتی که یک ملت در طول مبارزه ممکن است با آن برخورد نماید، برخورد کرده و آنرا پشت سرگذاشته است. اسارت، شکنجه، قتل عام... دیگر برای فلسطین مسئلهای نیست، فلسطینی که در گداخته - ترین کوره مبارزه آنهم نه در کوتاه مدت که در سالیانی دراز آبدیده شده است. آیا دیگر دلیلی برای مقاومت رذیلتانه صهیونیسم یافت میشود. فلسفه مبارزه و پیکار در یک کلام و با بانگی گوش خراش، قاطع و مطمئن میگوید: نه.

### آنچه در پیرون از مرزها رخ میدهد

زوهانسبورگ ۷۰۰۰ کارگر کارخانه ساسول در ترانسوال شرقی پس از درگیری های شبانه با پلیس دست از کار کشیدند. بدنبال این ناآرامی ها پلیس محافظت از این کارخانه را بعهد گرفت. پس از هجوم عده زیادی از کارگران به پلیس امنیتی کارخانه، دو کارگر دستگیر شدند. این تظاهرات بدنبال کشته شدن یک کارگر سیاهپوست توسط پلیس امنیتی کارخانه در ماه گذشته، انجام گرفت.

### در قدس اشغال شده چه میگذرد؟

کمیته ارشاد ملی فلسطین در کرانه غربی و نوار غزه اشغال شده، دعوت بیک اعتصاب عمومی در شهر بیت المقدس و کلبه شهرهای کرانه فلسطینی نوار غزه کرد. هدف این اعتصاب نشان دادن مخالفت خلق فلسطین در وطن اشغال شده با تصمیم کنست صهیونیستی مبنی بر الحاق بیت المقدس و اعلام آن بعنوان پایتخت اسرائیل است.

این دعوت به اعتصاب زمانی مطرح شده که موج اعتراضی وسیع توده‌ای به رفتار فاشیستی بازندان فلسطینی در زندانهای صهیونیستی بویژه زندان صحرای نفعه، بالاگرفته است و هم اکنون در شهرهای بیت المقدس و نابلس و الخلیل و رام الله سراسر سرزمین اشغال شده فلسطین حکمفرماست. مقامات نظامی اسرائیل، شهرداران و اعضا، اتاهاقی بازرگانی در شهرهای اشغال شده را از شرکت در اعتصاب عمومی بر حذر داشته‌اند.

زندانیان فلسطینی در زندانهای دشمن به اعتصاب غذای خود بعنوان همبستگی با زندانیان زندان صحرای نفعه که اعتصاب غذای آنان وارد سی امین روز شده ادامه میدهند. حال بسیاری از مبارزان زندانی بر اثر رفتار بیرحمانه صهیونیستها رو به وخامت میباشند و ساق پای یکی از زندانیان نیز در اثر شکنجه قطع گردیده است. همچنین زنان بیت المقدس نیز در مقر صلیب سرخ به نشانه همبستگی با زندانیان دست به تحصن زده‌اند.

مقامات زندانهای اسرائیل که فلسطینیان مبارز را در بند کرده‌اند اعلام نمودند که در صورتیکه زندانیان به اعتصاب غذای خود ادامه دهند از حقوق خود از قبیل خواندن کتاب و گردش در میدانهای زندان محروم خواهند شد. مقامات زندان تهدید کردند که از ملاقات و کلابی زندانیان با آنها جلوگیری خواهند کرد.

همچنین مقامات زندان از تحویل اجساد زندانیانی که در اثر وخامت حال، از دست رفته‌اند، به خانواده های آنها خودداری میکند.

رویتر  
یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین به گاستون تورن نماینده بازار مشترک اروپا گفته است فلسطینیها در هر نقطه از سرزمین اشغالی که اسرائیل از آنها عقب نشینی کند دولتی تشکیل خواهند داد.